

Causal Model of Marital Boredom Based on Emotional Maturity and Social Maturity

Maryam Ali Cheshmeh Alaei¹ , Siamak Samani^{1*} , Nadereh Sohrabi¹ , Hossein Baghouli¹ 

¹ Dept of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

Article Info

Article type:
Research article

Article History:

Received: 02 January 2022
Revised: 10 February 2022
Accepted: 05 March 2022
Published Online: 26 February 2023

* Correspondence to:

Siamak Samani
Dept of Psychology, Faculty of
Educational Sciences and
Psychology, Marvdasht Branch,
Islamic Azad University,
Marvdasht, Iran.
Email:
Samanisiamak@gmail.com

ABSTRACT

Introduction: This study aimed to explain the causal model of marital boredom based on emotional and social maturity among married people in Shiraz, Iran.

Material & Methods: This descriptive and correlational study was conducted on 362 married people (270 women and 92 men) married for 10 years and were selected by convenience sampling method. The data were collected using the Paynes' Marital Boredom Self-Report Scale (1996), Yashvir and Bhargava's Emotional Maturity Scale (EMS) (1991), and Rao's Social Maturity Scale (RSMS) (1973). In addition to descriptive statistics (mean, standard deviation, and correlation matrix), inferential statistics (structural equation model) were used to analyze the data of the aforementioned scales collected from the sample population by AMOS software.

(Ethic Code: ETHICS-2107-1014)

Findings: The results showed that emotional maturity predicts marital boredom negatively and significantly ($P < 0.01$, $\beta = -0.69$); however, social maturity is not a significant predictor of marital boredom ($P < 0.01$, $\beta = -0.09$). After calculating the model by considering the output correction indicators of AMOS software, this model was modified and fitted with eight indicators. In general, the results of this analysis confirmed a good model fit.

Discussion & Conclusion: The causal model showed that emotional maturity is able to predict marital boredom negatively and significantly. However, social maturity is not a significant predictor of marital boredom.

Keywords: Emotional maturity, Marital boredom, Social maturity

➤ How to cite this paper

AliCheshmehAlaei M, Samani S, Sohrabi N, Baghouli H. Causal Model of Marital Boredom Based on Emotional Maturity and Social Maturity. Journal of Ilam University of Medical Sciences. 2023;31(1): 81-94.

الگوی علی دل‌زدگی زناشویی بر اساس بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی

مریم علی چشمه‌علایی^۱ ID، سیامک سامانی^{۱*} ID، نادره سهرابی^۱ ID، حسین بقولی^۱ ID

^۱ گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷

مقدمه: این پژوهش با هدف تبیین الگوی علی دل‌زدگی زناشویی بر اساس بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی در میان افراد متأهل شهر شیراز انجام شد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر مطالعه‌ای توصیفی و از نوع همبستگی است که حجم نمونه این تحقیق شامل ۳۶۲ نفر (۲۷۰ زن و ۹۲ مرد) از افراد متأهل است که در بازه ده‌ساله زندگی زناشویی هستند و به شیوه در دسترس انتخاب گردیدند. ابزار استفاده‌شده در این پژوهش شامل مقیاس خودگزارشی دل‌زدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶)، مقیاس بلوغ یاشویر سینگ و بهارگاو/EMS (۱۹۹۱) و مقیاس پرسش‌نامه بلوغ اجتماعی رانو (۱۹۷۳) بود. برای تحلیل داده‌های حاصل از جمع‌آوری مقیاس‌های یادشده از جامعه نمونه، علاوه بر آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی)، از آمار استنباطی (الگوی معادلات ساختاری) در نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش نشان داد که بلوغ عاطفی دل‌زدگی زناشویی را به‌صورت منفی و معنادار پیش‌بینی می‌کند ($\beta = -0.69, P < 0.01$)؛ اما بلوغ اجتماعی پیش‌بین معناداری برای دل‌زدگی زناشویی نیست ($\beta = -0.09, P < 0.01$). پس از محاسبه الگو با در نظر گرفتن شاخص‌های اصلاح برون‌داد نرم‌افزار ایموس، این الگو اصلاح شد و با هشت شاخص برازش گردید. به‌طور کلی، نتایج این تحلیل نشان داد که الگوی نهایی برازش مطلوبی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: الگوی علی نشان داد که بلوغ عاطفی قادر است دل‌زدگی زناشویی را به‌صورت منفی و معنادار پیش‌بینی کند؛ اما بلوغ اجتماعی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای دل‌زدگی زناشویی نیست.

نویسنده مسئول:

سیامک سامانی

گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

Email:

Samanisiamak@gmail.com

واژه‌های کلیدی: دل‌زدگی زناشویی، بلوغ عاطفی، بلوغ اجتماعی

استناد: علی چشمه‌علایی، مریم؛ سامانی، سیامک؛ سهرابی، نادره؛ بقولی، حسین. الگوی علی دل‌زدگی زناشویی بر اساس بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی.

مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام، فروردین ۱۴۰۲؛ ۳۱(۱): ۹۴-۸۱.

تشکیل خانواده و ارتباطات زناشویی با ازدواج آغاز می‌شود. بر اساس نتایج پژوهش‌ها، عمدتاً عشق و محبت، داشتن شریک و همراه در زندگی، ارضای انتظارات عاطفی، روانی و افزایش شادی و خشنودی از علل اصلی ازدواج است (۱). هنگامی که زوج‌ها با یکدیگر روابط صمیمانه را آغاز می‌کنند، هر کدام با مجموعه‌ای از رؤیاها و انتظارات وارد رابطه می‌شوند و وقتی این رؤیاها و انتظارات با تنبیه و تجارب استرس‌زا و ناسازگاری جایگزین می‌گردند، رابطه زناشویی آسیب می‌بیند و سرانجام به دلزدگی منجر می‌شود (۲). امروزه تعارضات زناشویی، دلزدگی و در ادامه آن، فروپاشی روابط زناشویی مشکل عمده جامعه است که بر افراد، خانواده‌ها و اجتماع تأثیرات منفی بسیاری بر جای می‌گذارد و مشخصه بارز آن ناامیدی و خشم نسبت به همسر و زندگی زناشویی است (۳). دلزدگی زناشویی که در مانگران بارها با آن مواجه می‌شوند، مشکلی است که در ۵۰ درصد از زوج‌ها مشاهده می‌گردد و به معنای نوعی حالت درناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است. می‌توان از علائم دلزدگی زناشویی می‌توان به کمبود عمومی اشتیاق و انرژی برای همسر و خانواده، نداشتن رضایت از همسر، فرسودگی عاطفی نسبت به اعضای خانواده و همسر و کم شدن علاقه و کاهش کارایی در امور خانوادگی و زناشویی اشاره کرد (۴). آسیب دلزدگی زناشویی نه تنها بر جامعه، بلکه بر افراد نیز به صورت‌های روان‌شناختی و جسمانی تأثیر گذار بوده است. مطالعات بسیاری در ادبیات پژوهشی راجع به پیامدهای دلزدگی صورت گرفته که بر اساس این تحقیقات مشخص شده است که دلزدگی با متغیرهای منفی بسیاری همچون افسردگی (۵)، استرس و سطح پایین رضایت از زندگی (۶) همبستگی دارد؛ همچنین مشکلات فیزیکی و هیجانی مانند خستگی، کمبود خواب، کاهش اشتها، سردرد، مشکلات گوارشی، اضطراب، ناامیدی و احترام نگذاشتن به خود، حساسیت بسیار و گریه کردن اغلب در افراد مبتلا به نشانگان دلزدگی دیده می‌شود (۷).

در پژوهش‌های گوناگون، علل و عوامل متعددی را در

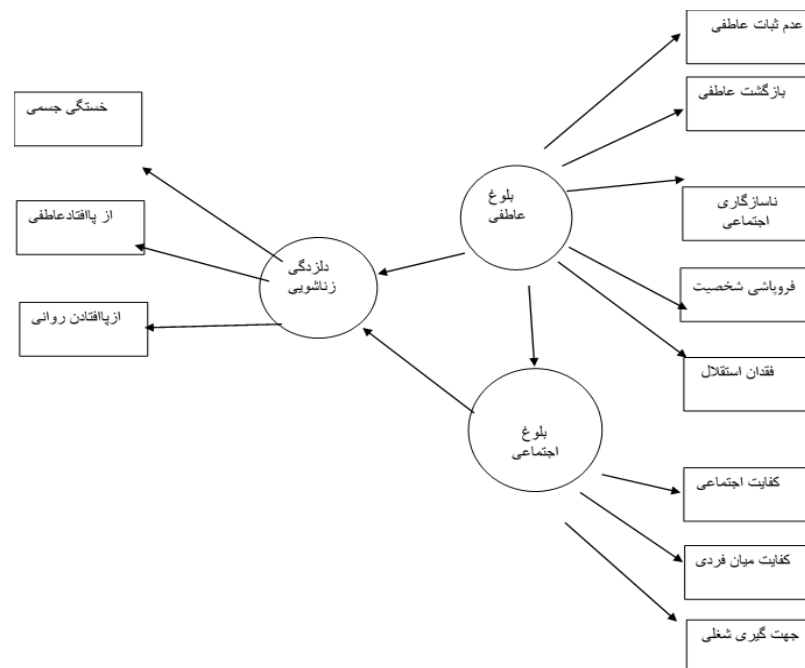
میزان بروز دلزدگی زناشویی مؤثر می‌دانند که مهم‌ترین آن‌ها عوامل درون‌فردی و ویژگی‌های شخصیتی، نداشتن صمیمیت هیجانی و حل نامؤثر تعارضات است (۳)؛ همچنین به نظر می‌رسد، متغیر بلوغ عاطفی عامل تأثیرگذاری بر دلزدگی زناشویی است؛ زیرا بر اساس نتایج پژوهش‌های مختلف، بسیاری از اختلالات عاطفی مانند اضطراب، افسردگی و ناسازگاری زناشویی بیشتر در افرادی بروز پیدا می‌کند که از لحاظ عاطفی به رشد کاملی دست نیافته‌اند و بنابراین، در مواجهه با مسائل روزمره زندگی، احساس ناتوانی و کنترل نداشتن می‌کنند، به گونه‌ای که نبود بلوغ عاطفی مناسب می‌تواند تا ۴۶ درصد دلزدگی زناشویی را در خانواده پیش‌بینی کند (۸). دیگر نتایج پژوهش‌ها بیان‌کننده این امر است که متغیر بلوغ عاطفی با همه متغیرهای زناشویی شامل درک و پذیرش همسر، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، اوقات فراغت، روابط جنسی، روابط با فرزندان و اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی رابطه معنی‌داری دارد (۹)؛ همچنین بلوغ عاطفی پیش‌بینی‌کننده مهمی برای سطح موفقیت و سازگاری افراد در زندگی نیز به‌شمار می‌آید (۱۰)، به گونه‌ای که افراد با بلوغ عاطفی کمتر، هیجانات خود را نیز کمتر کنترل می‌کنند و ممکن است به موقعیت فشارزا تنها از طریق تخلیه هیجانات و رفتارهای ناسازگارانه پاسخ دهند. بر اساس همین، ازدواج موفق نه تنها مستلزم بلوغ جسمانی است، بلکه بلوغ عاطفی با آمادگی‌های احساسی-هیجانی نیز از شرایط لازم در تحقق مطلوب آن است. در واقع، برخی افراد به بلوغ جسمی دست یافته‌اند؛ اما ممکن است هرگز از نظر عاطفی به بلوغ نرسند (۱۱). بلوغ عاطفی توانایی افراد برای مدیریت عواطف خود و همچنین ارزیابی حالت‌های عاطفی دیگران در روابط بین‌فردی، به‌منظور اتخاذ تصمیمات و اقدامات مناسب تعریف می‌شود (۱۲). هفت مؤلفه صمیمیت، همدلی، ابراز وجود، ثبات روانی، استقلال، تعادل روانی و توانایی رعایت مورد عاطفی را به‌عنوان تعریف کاملی از بلوغ عاطفی معرفی می‌کنند (۹).

انسانی که به بلوغ عاطفی رسیده باشد، فلسفه زندگی معینی

دارد که بر اساس آن می‌تواند از بحران‌های دائمی زندگی جلوگیری کند. چنین شخصی به پیشرفت‌های فعلی خود متکی است و به گذشته خود، هرچند هم باشکوه بوده باشد، اتکایی ندارد و به کارهایی از قبیل امور جنسی، عشق، ازدواج و تربیت کودک با روشن‌فکری می‌نگرد و چنین شخصی قدرت کنترل احساسات و عواطف خود را دارد (۱۳).

توانایی تحمل تنش از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های بلوغ عاطفی است و میان آن با بلوغ اجتماعی، یعنی پذیرش از سوی دیگران، ارتباط وجود دارد (۱۴). بلوغ اجتماعی سازهای مرکب از مهارت‌های مختلف از جمله کنترل احساسات‌های خود، خودشناسی، گذراندن اوقات فراغت با خانواده و دوستان، رویارویی با اهداف زندگی و پیگیری فعالیت‌ها است. بلوغ اجتماعی از طریق کسب منش‌هایی صورت می‌گیرد که همگی شامل توانایی ایجاد ارتباط خوب و توانایی ابراز دوستی صمیمانه با دیگران است. شخصی که بلوغ اجتماعی دارد، می‌تواند با قوانین و ارزش‌های اجتماعی محیطی که در آن زندگی می‌کند، خود را سازگار نماید، از نظرها و خواسته‌های گروهی پیروی کند و برای نیازهای گروهی و اجتماعی تلاش نماید (۱۵). در واقع، افرادی که بلوغ

مناسب عاطفی و اجتماعی ندارند، در بروز و مدیریت



شکل شماره ۱. الگوی مفهومی پژوهش

هیجانات خود ناتوان هستند که همین امر باعث افزایش نارضایتی و در ادامه آن، بروز دل‌زدگی زناشویی می‌شود. گاهی نشانه‌های نارضایتی زوجین به حدی می‌رسد که یکی از سخت‌ترین حوادث زندگی افراد، یعنی طلاق، به وقوع می‌پیوندد. این طلاق و نارضایتی نه تنها بنیان خانواده را به مخاطره می‌اندازد، بلکه تهدیدی جدی برای جامعه نیز به شمار می‌آید (۱۶). در واقع، افزایش روزافزون تعارض‌های زناشویی در دنیای معاصر به علل گوناگون و همچنین خطر بروز جدایی و اثر منفی آن بر سلامت روانی زوجین موجب شده است که مشاوران و به‌ویژه خانواده‌درمانگران نظریه‌ها و طرح‌هایی را برای کمک به زوجین، به‌منظور جلوگیری از تعارض و طلاق ارائه دهند؛ بنابراین، هدف پژوهش حاضر آن است که در چارچوب یک الگوی علی، به دل‌زدگی زناشویی بر اساس بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی بپردازد تا بتواند بستر مناسبی برای افزایش دانش موجود فراهم سازد. بر اساس این، فرضیه پژوهش به این صورت طرح‌ریزی می‌شود: الگوی علی بلوغ عاطفی، بلوغ اجتماعی و دل‌زدگی زناشویی از برآش کافی برخوردار است. الگوی مفهومی پژوهش در شکل شماره ۱ آمده است.

مواد و روش‌ها

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی است که در چهارچوب آن، روابط مفروض میان متغیرهای الگوی پژوهش با استفاده از روش الگویایی معادلات ساختاری بررسی شده است. مطالعه حاضر با کد اخلاق -ETHICS- 2107-1014 در کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت تایید گردید. جامعه آماری پژوهش حاضر را همه افراد متأهل شهر شیراز تشکیل دادند که در سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸، در بازه زمانی ده سال اولیۀ زندگی مشترک قرار دارند، نمونه این پژوهش شامل ۳۶۲ نفر از افراد متأهل بود که در بازه ده سالۀ زندگی زناشویی هستند و با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردیدند. در مجموع، تعداد ۲۷۰ نفر زن و ۹۲ نفر مرد در پژوهش شرکت کردند که ۲۲۰ نفر از آنان در مدت‌زمان ازدواج ۱ تا ۵ ساله و ۱۴۲ نفر نیز در بازه زمانی ازدواج ۵ تا ۱۰ سال بودند. به منظور جمع‌آوری داده‌های خام پژوهش، پس از انتخاب جامعه و نمونه و توضیح درباره نحوه پاسخ‌دهی به گویه‌ها، اطلاعات از طریق تکمیل سه مقیاس مربوط به سه متغیر پرسش‌نامه بلوغ عاطفی (سینگ و بهارگاوا) و پرسش‌نامه بلوغ اجتماعی (رائو) و پرسش‌نامه دل‌زدگی زناشویی (پاینز) از سوی زوجین، به صورت حضوری و آنلاین جمع‌آوری شد. فرایند جمع‌آوری داده‌های خام ابتدا حضوری و پس از شیوع کرونا، از طریق پرسش‌نامه آنلاین طی ۹ ماه تکمیل گردید. پیش از شروع کار، آزمودنی‌ها از موضوع، روش اجرا و هدف از انجام پژوهش مطلع شدند. به منظور اطمینان زوجین از محرمانه ماندن اظهاراتشان در مقیاس‌ها، هیچ‌گونه اطلاعات شخصی از زوجین درخواست نشد. با وجود این، پژوهشگر محرمانه ماندن اطلاعات جمع‌آوری‌شده را به آنان یادآوری کرد؛ همچنین از آزمودنی‌ها درخواست گردید تا به منظور بالا رفتن کیفیت پژوهش، بیشترین همکاری خود را با پژوهشگر انجام دهند.

ابزارهای پژوهش؛ مقیاس خودگزارشی دل‌زدگی زناشویی: مقیاس دل‌زدگی زناشویی ابزاری خودسنجی است که پاینز (۱۹۹۶) برای اندازه‌گیری درجه دل‌زدگی زناشویی

در میان زوج‌ها ابداع کرد. این پرسش‌نامه ۲۱ ماده دارد که شامل سه جزء اصلی خستگی جسمی (مانند احساس خستگی، سستی و داشتن اختلال خواب)، از پا افتادن عاطفی (احساس افسردگی، ناامیدی، در دام افتادن) و از پا افتادن روانی (مانند احساس بی‌ارزشی، سرخوردگی و خشم به همسر) است. طیف پاسخ‌گویی آن از نوع لیکرت است و سطح ۱ معرف نداشتن تجربه عبارت مدنظر و سطح ۷ معرف تجربه بالای عبارت مدنظر است. برای به دست آوردن نمره آزمون دل‌زدگی زناشویی پاینز و نانز، باید دستورالعمل زیر را اجرا کرد:

مرحله اول: امتیازهایی که به موارد ۲۱، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۵، ۴، ۲، ۱ داده شده است، باهم جمع می‌شوند؛ مرحله دوم: امتیازهایی که به شماره‌های ۲۰، ۱۹، ۶، ۳ داده شده است، باهم جمع می‌گردند؛ مرحله سوم: امتیاز مرحله دوم از عدد ۳۲ کم می‌شود؛ مرحله چهارم: امتیاز مرحله اول با مرحله سوم جمع می‌شود؛ مرحله پنجم: عدد مرحله چهارم بر عدد ۲۱ تقسیم می‌گردد. عدد به دست آمده درجه دل‌زدگی را نشان می‌دهد. گفتنی است که اعداد بزرگ‌تر بیانگر میزان دل‌زدگی بالاتر خواهند بود و برعکس.

روایی و پایایی ارزیابی ضریب اعتبار مقیاس دل‌زدگی زناشویی نشان داد که همسانی درونی میان متغیرها در دامنه ۰/۸۴ و ۰/۹۰ قرار دارد که به وسیله همبستگی‌های منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت مانند نظر مثبت درباره ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خودشکوفایی، احساس هدفمندی، کشش و جاذبه عاطفی نسبت به همسر و کیفیت رابطه جنسی آنان تأیید شده است (۱۷). ضریب اطمینان آزمون بازآزمون ۰/۸۹ برای یک دوره یک‌ماهه، ۰/۷۶ برای یک دوره دو ماهه و ۰/۶۶ برای دوره چهار ماهه بود. تداوم درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود. در ایران نیز، نویدی (۱۳۸۴) آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را ۰/۸۶ گزارش کرده است که حاکی از اعتبار مطلوب پرسش‌نامه است.

در پژوهش حاضر نیز برای بررسی روایی، از روش همسانی درونی و برای بررسی پایایی، از ضریب آلفای



کرونا باخ استفاده شد. برای محاسبه همسانی درونی، همبستگی هریک از خرده‌مقیاس‌ها با نمره کل مقیاس بررسی گردید. همبستگی بعد جسمی، عاطفی و روانی با نمره کل مقیاس به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۹۶ و ۰/۹۶ به دست آمد که بیانگر همسانی درونی مطلوب این مقیاس است؛ همچنین ضریب آلفای کرونا باخ برای بعد جسمی ۰/۷۸، بعد عاطفی ۰/۸۸، بعد روانی ۰/۸۸ و نمره کل مقیاس ۰/۹۴ به دست آمد.

پرسش‌نامه بلوغ عاطفی: یاشویر سینگ و ماهیش بهارگاوا (۱۹۹۱) این مقیاس را تدوین کرده‌اند. سازندگان آزمون فهرستی از ۵ عامل کلی نداشتن بلوغ عاطفی تهیه نموده‌اند که عبارت‌اند از: ۱. نداشتن ثبات عاطفی؛ ۲. بازگشت عاطفی؛ ۳. ناسازگاری اجتماعی؛ ۴. فروپاشی شخصیت؛ ۵. نداشتن استقلال. طیف پاسخ‌دهی آن بر اساس لیکرت تنظیم شده است و مقیاس اندازه‌گیری این ابزار از «هرگز» تا «خیلی زیاد» تغییر می‌کند.

پرسش‌نامه بلوغ عاطفی یک مقیاس گزارش شخصی پنج‌گزینه‌ای است (خیلی زیاد، زیاد، نامشخص، احتمالاً و هرگز) و پرسش‌ها طوری بیان شده است که اگر جواب مثبت «خیلی زیاد» باشد، نمره ۵؛ «زیاد» باشد، نمره ۴؛ پاسخ «نامشخص» باشد، نمره ۳؛ پاسخ «احتمالاً» باشد، نمره ۲ و به پاسخ «هرگز» نمره ۱ تعلق می‌گیرد؛ بنابراین، هر چه نمره بالاتر باشد، درجه بالاتری از نداشتن بلوغ عاطفی وجود دارد و برعکس. بیشترین امتیاز، یعنی ۲۴۰، معرف بالاترین وضعیت عاطفی و کمترین امتیاز ۵۰ معرف باثبات‌ترین وضعیت عاطفی است.

روایی این مقیاس در برابر معیارهای بیرونی، یعنی پرسش‌نامه سازگاری حوزه «گها»، برای دانشجویان کالج از سوی سینها و سینگ تعیین شده است. همبستگی گشتاوری حاصل میان کل نمرات در ۲۱ پرسش حوزه گها و کل نمرات در مقیاس بلوغ عاطفی ۰/۶۷ بوده است (۱۸). پایایی توسط آزمون-بازآزمون روی دانشجویان اندازه‌گیری شد که شامل دختران و پسران ۲۴-۲۰ ساله بودند. فاصله زمانی میان این دو آزمون ۶ ماه و همبستگی گشتاوری میان این دو اجرا ۰/۷۵ بود (۱۹).

در پژوهش حاضر نیز برای بررسی روایی، از روش

همسانی درونی و برای بررسی پایایی، از ضریب آلفای کرونا باخ استفاده شد. برای محاسبه همسانی درونی، همبستگی هریک از خرده‌مقیاس‌ها با نمره کل مقیاس بررسی گردید. همبستگی ثبات نداشتن عاطفی، بازگشت عاطفی، ناسازگاری هیجانی، فروپاشی شخصیت، نداشتن استقلال با نمره کل مقیاس به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۸۶، ۰/۷۶، ۰/۸۶ و ۰/۶۳ به دست آمد که بیانگر همسانی درونی مطلوب این مقیاس است؛ همچنین ضریب آلفای کرونا باخ برای نداشتن ثبات عاطفی ۰/۶۶، بازگشت عاطفی ۰/۷۴، ناسازگاری اجتماعی ۰/۶۱، فروپاشی شخصیت ۰/۷۸، نداشتن استقلال ۰/۵۰ و نمره کل مقیاس ۰/۸۸ به دست آمد.

مقیاس بلوغ اجتماعی: مقیاس بلوغ اجتماعی راثو (RSMS) شامل ۹۰ گویه است که به صورت گروهی، در موقعیت‌های معمولی کلاس درس اجرا می‌شود و سه بعد دارد: ۱. کفایت شخصی (جهت‌گیری شغلی، خود-رهبری و توانایی تحمل فشار روانی)؛ ۲. کفایت میان فردی (ارتباط، اعتماد معقول و همکاری)؛ ۳. کفایت اجتماعی (تعهد اجتماعی، تحمل اجتماعی و آمادگی برای تغییر). از ۹۰ سؤال پرسش‌نامه بلوغ اجتماعی راثو (RSMS)، ۲۳ پرسش به صورت مثبت و ۶۷ پرسش به صورت منفی بیان شده است. در پرسش‌های مثبت برای «کاملاً موافق» نمره ۴، «موافق» نمره ۳، «مخالف» نمره ۲ و «کاملاً مخالف» نمره ۱ و در پرسش‌های منفی به ترتیب عکس، یعنی برای «کاملاً موافق» نمره ۱، «موافق» نمره ۲، «مخالف» نمره ۳ و «کاملاً مخالف» نمره ۴ داده می‌شود. برای محاسبه نمره هریک از مقیاس‌های فرعی می‌توان از صفحه نمره‌گذاری ارائه شده استفاده کرد. وزن‌های هریک از پرسش‌ها را به ترتیب در سطرها صفحۀ نمره‌گذاری وارد می‌کنیم. در خانه‌هایی که علامت مثبت (+) وجود دارد، وزن پاسخ‌ها به صورت مستقیم (۱، ۲، ۳، ۴) و در جاهای بدون علامت به صورت معکوس (۱، ۲، ۳، ۴) محاسبه می‌شود. از جمع هریک از ستون‌های نمرات، مقیاس‌های فرعی و از جمع ستون‌های ۱ و ۴ و ۷ نمره کفایت شخصی و ستون‌های ۲ و ۵ و ۸ نمره کفایت میان فردی و از جمع ستون‌های ۳ و ۶ و ۹ نمره کفایت اجتماعی به دست می‌آید و نمره کل بلوغ اجتماعی آزمودنی با جمع کردن نمره کفایت

است؛ همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای کفایت شخصی ۰/۸۳، کفایت اجتماعی ۰/۷۱، کفایت میان‌فردی ۰/۷۹ و نمره کل مقیاس ۰/۸۰ به‌دست آمد.

پیش از آزمون الگو، ابتدا داده‌های پرت حذف و سپس مفروضات الگویابی معادلات ساختاری از جمله مفروضه طبیعی بودن، خطی بودن و نبود هم‌خطی چند گانه بررسی گردید. مفروضه طبیعی بودن با استفاده از شاخص کجی و کشیدگی متغیرهای مشاهده‌شده بررسی شد. مقادیر کجی و کشیدگی مربوط به همه متغیرهای مشاهده‌شده کمتر از ۲ و حاکی از آن بود که توزیع هیچ کدام از متغیرهای مشاهده‌شده با توزیع طبیعی تفاوت معناداری ندارد.

یافته‌های پژوهش

میانگین، انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمره متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ گزارش شده است.

جدول شماره ۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کمینه نمره	بیشینه نمره
بلوغ عاطفی	نداشتن ثبات عاطفی	۹۸/۵	۱۳	۴۴
	بازگشت عاطفی	۳۸/۱۰	۱۷	۵۰
	ناسازگاری اجتماعی	۳۶/۶۱	۲۳	۴۵
	فروپاشی شخصیت	۴۱/۰۳	۲۵	۵۰
	نداشتن استقلال	۲۷/۳۰	۱۶	۳۵
بلوغ عاطفی (نمره کل)	۱۷۲/۷۵	۲۰/۵۰	۱۲۴	۲۱۶
بلوغ اجتماعی	کفایت اجتماعی	۶۹/۶۳	۵۳	۸۵
	کفایت میان‌فردی	۷۳/۲۲	۵۷	۸۹
	کفایت شخصی	۷۵/۸۲	۶۰	۹۲
بلوغ اجتماعی (نمره کل)	۲۱۸/۶۸	۱۴/۷۹	۱۸۳	۲۶۰
دلزدگی زناشویی	جسمی	۱۲/۲۵	۴	۲۶
	عاطفی	۲۲/۰۲	۷	۴۷
	روانی	۲۴/۷۰	۸	۵۲
	دلزدگی زناشویی (نمره کل)	۵۸/۹۸	۲۱/۳۴	۱۹

بخشیدن به تحلیل‌های بعدی، همبستگی آن‌ها محاسبه شده است که نتایج در جدول شماره ۲ آورده شده است.

شخصی، میان‌فردی و اجتماعی حاصل می‌گردد و پس با مراجعه به جداول نرم، نمره هر فرد تفسیر می‌شود.

ضریب اعتبار بازآزمایی کل پرسش‌نامه بلوغ اجتماعی ۰/۷۹ و ضریب اعتبار بعد کفایت ۰/۸۹، کفایت میان‌فردی ۰/۷۳ و کفایت اجتماعی ۰/۷۰ است (۲۰). ضریب اعتبار این مقیاس با روش بازآزمایی با فاصله زمانی دو هفته، روی یک گروه ۲۵۰ نفری ۰/۵۳ محاسبه شد؛ همچنین ضریب اعتبار به روش همابستگی درونی گویه‌ها محاسبه گردید که میزان آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به‌دست آمد.

در پژوهش حاضر نیز برای بررسی روایی، از روش همسانی درونی و برای بررسی پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. برای محاسبه همسانی درونی، همبستگی هر یک از خرده‌مقیاس‌ها با نمره کل مقیاس بررسی گردید. همبستگی بعد کفایت شخصی، کفایت اجتماعی و کفایت میان‌فردی با نمره کل مقیاس به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۳ و ۰/۷۷ به‌دست آمد که بیانگر همسانی درونی مطلوب این مقیاس

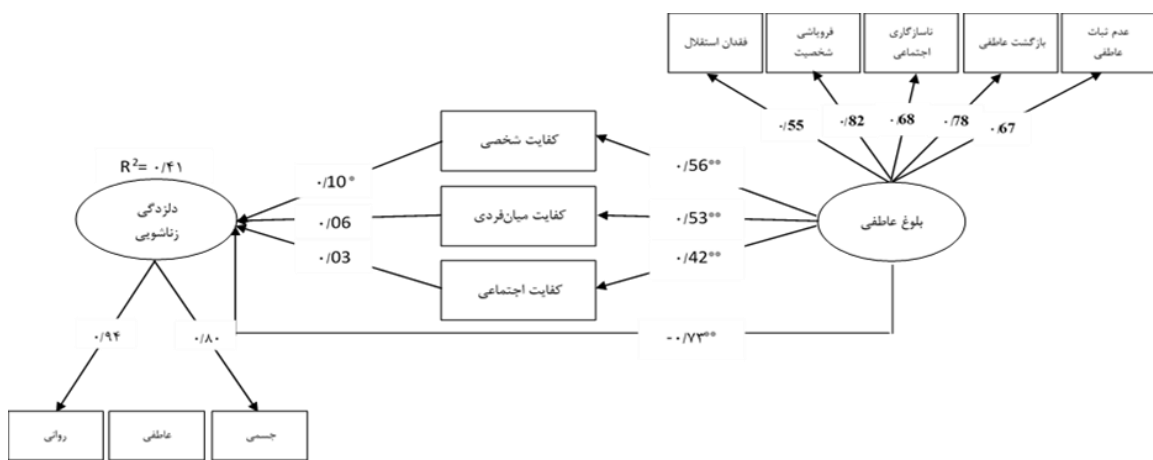
علاوه بر این، پیش از آزمون الگوی پژوهش، ابتدا به‌منظور بررسی چگونگی رابطه متغیرهای پژوهش و اعتبار

جدول شماره ۲. ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳
۱. بلوغ عاطفی	۱		
۲. بلوغ اجتماعی	۰/۵۰**	۱	
۳. دلزدگی زناشویی	-۰/۵۸**	-۰/۲۹**	۱

منفی و معنادار است. در مجموع، نتایج ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش انجام الگوی معادلات ساختاری را امکان پذیر می سازد.

مطابق با اطلاعات موجود در جدول شماره ۲، بلوغ عاطفی با دلزدگی زناشویی همبستگی منفی و معنادار و با بلوغ اجتماعی همبستگی مثبت و معناداری دارد. علاوه بر این، همبستگی میان بلوغ اجتماعی با ابعاد دلزدگی زناشویی،



شکل شماره ۲. الگوی نهایی پژوهش

آثار مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۳ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۳. آثار مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای پژوهش

مسیر	اثر مستقیم	P	اثر غیرمستقیم	P	اثر کل	P
بلوغ عاطفی به کفایت شخصی	۰/۵۶	۰/۰۱	-			
بلوغ عاطفی به کفایت میان فردی	۰/۵۳	۰/۰۲				
بلوغ عاطفی به کفایت اجتماعی	۰/۴۲	۰/۰۰۷				
بلوغ عاطفی به دلزدگی زناشویی	-۰/۷۳	۰/۰۰۹	۰/۱۰	۰/۰۱	-۰/۶۳	۰/۰۱
کفایت شخصی به دلزدگی زناشویی	۰/۱۰	۰/۰۴	-			
کفایت میان فردی به دلزدگی زناشویی	۰/۰۶	۰/۳۳				
کفایت اجتماعی به دلزدگی زناشویی	۰/۰۳	۰/۵۷				

شخصی ($\beta=0.56, P=0.01$)، کفایت میان فردی ($P=0.02$)، $\beta=0.53$ و کفایت اجتماعی ($\beta=0.42, P=0.007$) دارد. علاوه بر این، در میان ابعاد بلوغ اجتماعی، بعد کفایت

همان طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می شود، بلوغ عاطفی اثر مستقیم منفی و معنادار بر دلزدگی زناشویی ($\beta=-0.73, P=0.009$) و اثر مستقیم مثبت و معنادار بر کفایت

مقدار 0.10 ($P=0.01$) معنادار است. در مجموع، اثر کل بلوغ عاطفی بر دلزدگی زناشویی 0.63 است و در این الگو ۴۱ درصد از واریانس دلزدگی زناشویی تبیین شده است. نتایج مربوط به آثار مستقیم متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۴ گزارش شده است.

جدول شماره ۴. آثار مستقیم متغیرهای پژوهش (الگوی ساختاری)

مسیر مستقیم	β	S. E	t	P
الگوی ساختاری	بلوغ عاطفی به کفایت شخصی	۰/۰۹	۹/۴۳	۰/۰۰۱
	بلوغ عاطفی به کفایت میان فردی	۰/۰۹	۹/۰۲	۰/۰۰۱
	بلوغ عاطفی به کفایت اجتماعی	۰/۰۸	۷/۲۸	۰/۰۰۱
	بلوغ عاطفی به دلزدگی زناشویی	۰/۱۹	-۸/۲۴	۰/۰۰۱
	کفایت شخصی به دلزدگی زناشویی	۰/۰۷	۱/۸۲	۰/۰۵
	کفایت میان فردی به دلزدگی زناشویی	۰/۰۷	۱/۱۱	۰/۲۶
	کفایت اجتماعی به دلزدگی زناشویی	۰/۰۷	۰/۶۳	۰/۵۲

شماره ۵ گزارش شده است.

شخصی اثر مستقیم مثبتی بر دلزدگی زناشویی ($P=0.04$)، $\beta=0.10$ دارد، در حالی که اثر مستقیم کفایت میان فردی و کفایت اجتماعی بر دلزدگی زناشویی معنادار نیست. در رابطه با اثر غیرمستقیم همان گونه که نتایج نشان می‌دهد، اثر غیرمستقیم بلوغ عاطفی بر دلزدگی زناشویی با

همچنین وزن‌های رگرسیون الگوهای اندازه‌گیری مکنون در الگو تحلیل گردید. نتایج این تحلیل در جدول

جدول شماره ۵. آثار مستقیم متغیرهای پژوهش (الگوی اندازه‌گیری)

مسیر مستقیم	β	S. E	t	P
الگوی اندازه‌گیری	نداشتن ثابت عاطفی به بلوغ عاطفی	-	-	-
	بازگشت عاطفی به بلوغ عاطفی	۰/۷۸	۱۲/۷۴	۰/۰۰۱
	ناسازگاری اجتماعی به بلوغ عاطفی	۰/۶۸	۱۱/۴۲	۰/۰۰۱
	فروپاشی شخصیت به بلوغ عاطفی	۰/۸۲	۱۳/۱۸	۰/۰۰۱
	نداشتن استقلال به بلوغ عاطفی	۰/۵۵	۹/۳۴	۰/۰۰۱
	روانی به دلزدگی زناشویی	۰/۹۴	-	-
	جسمی به دلزدگی زناشویی	۰/۸۰	۲۱/۶۳	۰/۰۰۱
	عاطفی به دلزدگی زناشویی	۰/۹۵	۳۲/۶۷	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج جدول شماره ۴، بلوغ عاطفی به‌طور منفی و مستقیم دلزدگی زناشویی را پیش‌بینی کرده است ($\beta=-0.73$, $P=0.001$). بلوغ عاطفی، کفایت شخصی ($\beta=0.56$, $P=0.001$)، کفایت اجتماعی ($\beta=0.42$, $P=0.001$) و کفایت میان فردی ($\beta=0.53$, $P=0.001$) را به‌طور مثبت و مستقیم پیش‌بینی کرده است. از میان ابعاد بلوغ اجتماعی، تنها بعد کفایت شخصی اثر مستقیم و معناداری بر دلزدگی زناشویی دارد ($\beta=0.01$, $P=0.05$)، در حالی که اثر

همان گونه که نتایج مندرج در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، وزن‌های رگرسیون مربوط به دو الگوی اندازه‌گیری بیانگر معرف بودن همه شاخص‌ها برای متغیرهای مکنون مربوطه است. از میان دو شاخص متغیر فروپاشی شخصیت، بعد بلوغ عاطفی ($\beta=0.82$, $P=0.001$) وزن بیشتری را در تعریف این متغیر مکنون دارد. در باره متغیر مکنون دلزدگی زناشویی، بعد روانی ($\beta=0.94$, $P=0.001$) قوی‌ترین شاخص است. در ادامه، نتایج به تفکیک فرضیه‌ها گزارش می‌شود.

مستقیم دو بعد کفایت اجتماعی و کفایت میان فردی بر دلزدگی زناشویی معنادار نیست. برای برآورد و تعیین معنی داری مسیر غیرمستقیم، از

د ستور بوت استرپ در نرم افزار AMOS استفاده گردید که نتایج در جدول شماره ۶ گزارش شده است.

جدول شماره ۶. آثار غیرمستقیم متغیرهای پژوهش

مسیر غیرمستقیم	β	حد پایین	حد بالا	P
بلوغ عاطفی به دلزدگی زناشویی	۰/۱۰	۰/۰۳	۰/۲۰	۰/۰۱

همان طور که نتایج جدول شماره ۶ نشان می دهد، اثر غیرمستقیم بلوغ عاطفی بر دلزدگی زناشویی معنادار است که این موضوع بیانگر سهم و واسطه گری ابعاد بلوغ اجتماعی است.

به منظور بررسی برازش الگوی پژوهش از چندین شاخص معتبر استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۷ آمده است. در مجموع، محاسبات صورت گرفته نشان دهنده برازش مکفی برای الگوی نهایی است.

جدول شماره ۷. شاخص های برازش الگوی نهایی

شاخص	X ² / df	GFI	CFI	IFI	TLI	NFI	RMSEA	P CLOSE
مقدار	۲/۷۰	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۷	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۰۵	۰/۰۹

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر پیش بینی دلزدگی زناشویی بر اساس میزان بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی بود. نتایج پژوهش نشان داد که بلوغ عاطفی اثر منفی و معناداری بر دلزدگی زناشویی دارد. این یافته با نتایج پژوهش های فلاحی و محمدی (۲۱)، نظریور و همکاران (۲۲)، محمد شارونی و همکاران (۲۳)، پاموک (۲۴) و نین دیاسری (۲۵) همسو است. در تبیین این یافته می توان بیان داشت که بلوغ عاطفی به معنای توانایی نوعی خودکنترلی است که محصول تفکر و یادگیری است. در واقع، شخص با ثبات عاطفی، فردی است که زندگی عاطفی وی به خوبی تحت کنترلش است و توانایی تحمل تنش و در کنار آن، بی تفاوتی به برخی از محرک هایی را دارد که بر او اثر می گذارد و او را دستخوش احساسات می کند. او توانایی تنظیم کردن هیجانات، صمیمیت، همدلی، ثبات روانی و استقلال را دارد؛ همچنین دارای صمیمیت هیجانی مناسب به همراه رفتارهای عاشقانه و رمانتیک، حمایت هیجانی، توانایی در درک احساسات همسر و همدلی و واکنش مناسب در برابر آن، صمیمیت و مشارکت، همراهی و رفاقت و دل بستگی عاطفی است که

همه این موارد با عث جلوگیری از حس سرخوردگی و دلزدگی در طرف مقابل می شود. در ضمن، در افراد با بلوغ عاطفی بالا با توجه به ثبات هیجانی و مدیریت احساسات در هنگام تعارضات زناشویی، بخشش در زوجین بیشتر مشاهده می گردد و قابلیت بالا در مهار عواطف خود، به علت استفاده از پاسخ های مقابله ای مؤثر، در غلبه بر مشکلات موجود در روابط بین فردی و تعارضات فردی کفایت بیشتری دارد و سازگاری بالاتری در مواجهه با رفتارهای طرف مقابل دیده می شود. علاوه بر این، فرد ر شدیافته عاطفی ظرفیت مقاومت در برابر تأخیر نیازها دارد و در برابر سرخوردگی و کمبودها در زندگی زوجی قادر به تحمل بیشتر است و توان بر نامهریزی بلند مدت و یا تجدیدنظر در باره انتظارات و خواسته های خود را دارد. به واسطه رشد ویژگی استقلال، فرد با بلوغ عاطفی قادر می گردد در برابر القای افکار دیگران، در زندگی زوجی خود مقاومت کند و به جای پذیرش نگرش ها و الگوهای دیگران، به درک بهتر نگرش و رفتار آنان بپردازد. چنین فردی به اندازه ای از پختگی عاطفی می رسد که می تواند راه حل های پیچیده تری را برای مشکلات روزمره عاطفی خود بیابد و از احساس خود به صورت رشدیافته برای حل

شود.

آزمون برازش الگوی نظری تحقیق، با تأکید بر هشت شاخص نکویی برازش می‌توان به الگوی تدوین‌شده از یک سو و یافته‌های پژوهش از سوی دیگر تأکید داشت؛ بنابراین، انطباق مطلوبی میان الگوی به‌تصویردرآمده با داده‌های پژوهش فراهم شده است و با تأکید بر معادلات ساختاری الگوی مناسبی در زمینه رابطه میان متغیرهای مستقل، وابسته و واسطه طراحی گردیده و برازش مطلوب معرف الگویابی معادلات ساختاری است. در تبیین برازش الگوی علی بالا باید خاطر نشان کرد که هماهنگی متغیرهای استفاده‌شده در الگوی مفروض بر خاسته از حوزه‌های روان‌شناختی نزدیک به یکدیگر بوده و طبیعتاً این امر بر منسجم بودن و هماهنگی الگوی به‌دست‌آمده تأثیر گذار بوده است؛ همچنین بر اساس الگوی نهایی به دست آمده، نسبت معذور کای به درجه آزادی برابر با (۲/۷۰) است و نیز ضریب شاخص ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) برابر با ۰/۰۵، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۴، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر ۰/۹۲، شاخص برازندگی هنجار شده (NFI) برابر با ۰/۹۵ و شاخص برازندگی افزایشی (IFI) برابر ۰/۹۷ و معرف برازش الگوی محقق است. اثر کل بلوغ عاطفی بر دلزدگی زناشویی ۰/۶۳- است و در تبیین این نتیجه می‌توان به این نکته اشاره کرد که نقش واسطه‌گری بلوغ اجتماعی در این الگو قویاً مورد تأیید قرار نگرفته است و در توجیه علت آن می‌توان به این علت اشاره کرد که شاید پرسش‌نامه حاضر بلوغ اجتماعی، محتوای مناسبی برای سنجش بلوغ اجتماعی لازم برای زندگی زناشویی را نمی‌سنجد و در قالب یک تحقیق کیفی، به بررسی و ساختن پرسش‌نامه برای ورود به زندگی زناشویی نیاز است. این عامل و عامل‌های موجود در این الگو نقش واسطه‌گری بسیار نیرومندی را در الگو بازی نکرده‌اند و به نظر می‌آید، بلوغ عاطفی هم ضریب همبستگی بالایی با بلوغ اجتماعی دارد و توانسته است متغیر بلوغ اجتماعی را به‌نوعی از الگو خارج کند و خودش نقش اصلی را بازی نماید. از سوی دیگر، شاید این الگو نشان می‌دهد که در دلزدگی

مشکلات استفاده کند و از هرگونه دخالت اطرافیان در رابطه زوجی خود جلوگیری نماید (۲۶). از سوی دیگر، در سمت مخالف، کسانی که به بلوغ عاطفی نرسیده‌اند، همواره نیازمند محبت و توجه هستند و ضعف‌های خود را پنهان می‌کنند، انتقادپذیر نیستند، حسادت می‌کنند، کمتر کسی را می‌بخشند، خلق و خوی ثابتی ندارند و کج خلقی می‌کنند و غر می‌زنند. عصبانیت، بی‌قراری، اضطراب، استرس، وابستگی شدید به خانواده، شک و تردید بی‌مورد، نداشتن اعتماد به نفس و اعتماد به دیگران، پیش‌داوری ناصحیح در باره اطرافیان، نداشتن قضاوت صحیح درباره کارها و امور زندگی، ناتوانی در پذیرش مسئولیت، شتابزدگی و عجله در کارها، از دست دادن فرصت در زندگی، پنهان‌کاری، همه را رقیب خود پنداشتن، خودخواهی و خودمحوری، فرافکنی، لجبازی و بی‌اعتنایی نسبت به مشکلات دیگران از مهم‌ترین ویژگی‌های افرادی است که به بلوغ عاطفی نرسیده‌اند و از آنجا که دلزدگی زناشویی شکل نهایی و شدت یافته استرس است؛ بنابراین، زوجین روان‌رنجور زمینه مناسبی برای دل‌زده شدن دارند (۲۷).

همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، اثر غیرمستقیم بلوغ عاطفی بر دلزدگی زناشویی با مقدار ۰/۱۰ ($P=0.01$) معنادار است که این موضوع نشان‌دهنده سهم واسطه‌گری ابعاد بلوغ اجتماعی در ارتباط میان بلوغ عاطفی و دلزدگی زناشویی است. در تبیین این نتیجه می‌توان به این نکته اشاره کرد که بلوغ عاطفی به‌تنهایی دلزدگی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، بلوغ عاطفی باعث افزایش کفایت شخصی، کفایت میان‌فردی و اجتماعی می‌شود. محقق انتظار این را داشت که این سه بعد به‌طور غیرمستقیم، بر دلزدگی زناشویی اثر منفی داشته باشند که با افزایش آن‌ها، دلزدگی زناشویی کاهش پیدا کند و نتایج تحقیق خلاف این مسئله را نشان می‌دهد. از میان سه بعد، صرفاً بعد کفایت شخصی به‌صورت مثبت میان بلوغ عاطفی و دلزدگی زناشویی واسطه‌گری می‌کند. به‌نظر می‌رسد، برای تبیین و تشخیص همه‌جانبه به کار کیفی در این باره نیاز است که علاوه بر بررسی کمی، بعد بافت و فرهنگ نمونه موردبررسی هم در پژوهش در نظر گرفته

زناشویی که ابعاد جسمی و عاطفی و روانی دارد، بلوغ عاطفی نقش مؤثرتری بازی می‌کند و در انتخاب همسر و در تبیین مداخلات درمانی در حوزه خانواده و زوج‌درمانی، بر توجه به بلوغ عاطفی در این الگو تأکید شده است و هم درمانگران و هم محققان باید به بلوغ عاطفی به‌عنوان پیش‌نیاز برای جلوگیری از دل‌زدگی زناشویی عنایت خاصی داشته باشند. این الگو نشان می‌دهد که هرچه فرد بلوغ عاطفی بیشتری داشته باشد، ریسک ابتلا به دل‌زدگی زناشویی او در ابعاد جسمی، عاطفی و روانی کمتر می‌شود. بر اساس همین الگوی کلی شاید بشود این نتیجه را هم گرفت که از پیش‌نیازهای اصلی در تعاملات بین‌فردی و زناشویی مسئله بلوغ عاطفی اعم از ثبات عاطفی، سازگاری و ثبات شخصیت و احساس استقلال عاطفی محیاکننده موفقیت در تعاملات اجتماعی به‌طور خاص در روابط زناشویی است. در یک نتیجه‌گیری کلی بر اساس این الگو شاید بتوان به این نکته اشاره کرد که بلوغ عاطفی می‌تواند تضمین‌کننده مهمی بر دلدادگی زناشویی به‌شمار آید. با توجه به چشمگیر نبودن نقش واسطه‌گری بلوغ اجتماعی و به‌طور ویژه ابعاد آن (کفایت شخصی و کفایت میان‌فردی و کفایت اجتماعی)، شاید مناسب‌تر آن دیده شد تا در قالب یک الگوی اصلاح‌شده که طی آن، بلوغ اجتماعی به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌گر هم‌ارز با بلوغ عاطفی در نظر گرفته شود.

این پژوهش بینش وسیعی را درباره رابطه دل‌زدگی زناشویی و بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی و نحوه تأثیرپذیری این سه متغیر از یکدیگر به‌وجود می‌آورد؛ به این معنا که سازوکار و نحوه تأثیرگذاری بلوغ عاطفی بر ریز متغیرهای بلوغ اجتماعی و آثار غیرمستقیم آن را بر دل‌زدگی زناشویی تفهیم می‌کند و این می‌تواند برای مشاوران خانواده، روان‌شناسان بالینی و به‌طور کلی برای کسانی که با آموزش و مشاوره سروکار دارند، کاربرد فراوانی در مواجهه با مشکلات زوجین و راهکارهای پیشگیری از آن داشته باشد.

با مروری بر پژوهش‌های پیشین نتیجه‌گیری شد که بیشتر تحقیقات صورت‌گرفته درباره رابطه بلوغ عاطفی و اجتماعی و دل‌زدگی به‌صورت جداگانه بوده است و پژوهشی که

به‌صورت دقیق و منسجم به بررسی این متغیرها به‌صورت الگو پردازد، وجود نداشته است با توجه به این ساختار، پژوهش حاضر الگوهای معتبری برای مداخلات روان‌شناختی به‌منظور افزایش بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی و کاهش دل‌زدگی زناشویی فراهم می‌کند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این نکات اشاره کرد: از آنجا که شیوه جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت خوداظهاری بود، کنترل تأثیر مطلوبیت اجتماعی در آن نهفته است؛ به عبارتی، در خودگزارشی‌ها، آزمودنی‌ها اغلب گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که آنان را بهتر جلوه دهد که این مسئله به کاهش کارایی ابزار اندازه‌گیری منجر می‌شود؛ همچنین امکان جمع‌آوری نمونه از زوجین به علت دسترسی نداشتن، امکان‌پذیر نبود. محدود کردن ابزار سنجش و جمع‌آوری اطلاعات به پرسش‌نامه و استفاده نکردن از سایر روش‌های جمع‌آوری اطلاعات از جمله مشاهدات، مصاحبه و روش‌های آزمایشی که می‌توانست بر بار علمی این تحقیق بیفزاید و اعتبار یافته‌های آن را افزایش دهد، از دیگر محدودیت‌های این تحقیق بود.

بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌گردد تا برنامه‌های مداخله‌ای برای آموزش و ارتقای بلوغ عاطفی و اجتماعی افراد برای دو گروه در نظر گرفته شود: گروه اول افرادی که در مرحله پیش از ازدواج و انتخاب همسر قرار دارند که باید علاوه بر آموزش‌های لازم، از لحاظ سطح بلوغ عاطفی ارزیابی و بررسی گردند و در صورت نیاز، کلاس‌های آموزشی مناسبی برای آنان طراحی شود و گروه دوم زوجینی که ازدواج کرده‌اند که می‌توان با آموزش کنترل هیجانات، مدیریت و بروز هیجانات و همه‌عامل‌های بلوغ عاطفی و اجتماعی از بروز دل‌زدگی و تعارضات زناشویی جلوگیری کرد.

نتایج پژوهش حاضر بینش وسیعی را درباره رابطه دل‌زدگی زناشویی و بلوغ عاطفی و بلوغ اجتماعی و نحوه تأثیرپذیری این سه متغیر از یکدیگر به‌وجود می‌آورد؛ به این معنا که سازوکار و نحوه تأثیرگذاری بلوغ عاطفی بر ریز متغیرهای بلوغ اجتماعی و آثار غیرمستقیم آن را بر دل‌زدگی

در انجام این پژوهش در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت یاری رساندند، کمال تشکر را ابراز می‌دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌کنند که هیچ گونه تضاد منافی ندارند.

کد اخلاق: ETHICS-2107-1014

References

1. Zakeri F, Saffariantoosi MR, Nejat H. The Role of Self-Compassion Moderator in the Effect of Alexithymia and Interpersonal Problems on Marital Boredom in Maladjusted Women. *J Posit Psychol* 2020;5:35-50. doi:10.22108/ppls.2020.115339.1662.
2. Fotohi S, Mikaeili N, Atadokht A, Hajlo N. Comparing the effectiveness of meta-emotion-based couple therapy with narrative couple therapy on adjustment and couple burnout in conflicting couples. *QCCPC* 2018; 9:77-101. doi: 10.22054/QCCPC.2018.27362.1672.
3. Kamalian T, Mirzahosseini H, Monirpoor N. The Effects of Emotional Schema Therapy and Differentiation Training on Emotional Divorce in Women. *J Client- Centered Nurs Care* 2021; 7:65-74.
4. Nazari A, Rasouli M, Davarniya R, Hosseini A, Babaei Gharmkhani M. Effectiveness of solution-focused brief therapy (SFBT) on couple burnout and divorce tendency in married women. *IJPN* 2015;3:41-52. [Persian]
5. Gito M, Ihara H, Ogata H. The relationship of resilience, hardiness, depression and burnout among Japanese psychiatric hospital nurses. *J Nurs Educ Pract* 2013; 3:12. doi:10.5430/jnep.v3n11p12.
6. Kim JS, Lee YS. Study on fatigue, stress and burnout of pregnant nurses. *Korean J Occup Health Nurs* 2013; 22: 208-17. doi:10.5807/kjohn.2013.22.3.208.
7. Kozak A, Kersten M, Schillmöller Z, Nienhaus A. Psychosocial work-related predictors and consequences of personal burnout among staff working with people with intellectual disabilities. *Res Dev Disabil* 2013; 34: 102-15. doi: 10.1016/j.ridd.2012.07.021.
8. Harandi RJ, Rajaie Moosavi SF. Relationship between emotional maturity, perceived social support and emotional atmosphere of the second grade high school students in Qom. *J New Thought Edu* 2019; 15:45-62. (Persian) doi:10.22051/JONTOE.2019.20580.2235.

زناشویی را تفهیم می‌کند و این می‌تواند برای مشاوران خانواده، روان‌شناسان بالینی و به‌طور کلی برای کسانی که با آموزش و مشاوره سروکار دارند، کاربرد فراوانی در مواجهه با مشکلات زوجین و راهکارهای پیشگیری از آن داشته باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان از همه کسانی که با همکاری صمیمانه خود،

9. Bazrgar, Honarparvaran N. Comparison emotional maturity in people tends to affair and normal. *J New Adv Behav sci* 2020 ;4:17-25. (Persian)
10. Zonash R, Arouj K. Social Intolerance and Psychological Distress among Cardiac Patients: Moderating Role of Emotional Regulation. *Pak J Psychol Res* 2017:273-96.
11. Sharifi Rigi A, Mehrabizade Honarmand M, Beshlideh K, Sarparast A, Khanali Nejad S, Amini Z. Mediating Role of Distress Tolerance in Relationship of Emotional Maturity and Spiritual Intelligence with Adjustment to University. *J Res Relig Health* 2019; 5: 87-100. doi: 10.22037/jrrh.v5i1.19401.
12. Rafeedali E. Influence of self-concept and emotional maturity on leadership behaviour of secondary schools' heads in Kerala, India. *Eur J Educ Stud* 2017; 3. doi:10.46827/ejes.v0i0.434.
13. Mokhtari B, Farah Bakhsh K. Predicting the emotional maturity of female high school students based on attachment style and the degree of differentiation of mothers in Najafabad. *J Appl Res Cons* 2019; 5. (Persian)
14. Viscerini A, Abdollahi Moghaddam M. Compare emotional and social maturity and sensation seeking in adolescents and ordinary criminals Khorramabad. *Rooyesh-e-Ravanshenasi* 2019; 8. (Persian)
15. Devine MA, Dawson S. The effect of a residential camp experience on self-esteem and social acceptance of youth with craniofacial differences. *Ther Recreat J* 2010; 44: 105-20.
16. Taniguchi ST, Freeman PA, Taylor S, Malcarne B. A study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation. *J Exp Educ* 2006; 28: 253-56. doi:10.1177/105382590602800309.
17. Pines AM, Nunes R. The relationship between career and couple burnout: Implications for career and couple counseling. *J Employ Couns* 2003;40:50-64. doi:10.1002/j.2161-1920.2003.tb00856.x.

18. Gholampour F, Hafezian M, Kazemian M, Damirchi QV, KazemiKani B, Gholizadeh S. Reviewing the different dimensions of emotional maturity in high school 3rd grade students. *Arab J Bus Manag Rev* 2013; 3: 78.
19. Imani R, Moheb N. The relationship between mothers' emotional maturity and their children's behavioral disorders. *J Woman Family Stud* 2009; 2: 29-49. (Persian)
20. Fink E, de Rosnay M, Peterson C, Slaughter V. Validation of the Peer Social Maturity Scale for assessing children's social skills. *Infant Child Dev* 2013; 22: 539-52. doi: 10.1002/icd.1809.
21. Falahati F, Mohammadi M. Prediction of marital burnout based on automatic negative thoughts and alexithymia among couples. *JMRH* 2020;8:2211-9. doi:10.22038/jmrh.2020.43917.1522
22. Nazarpour D, Zahrakar K, Pouryahya M, Davarniya R. Effectiveness of couple therapy based on imago relationship therapy: Its impact on couple burnout. *Neurosci J Shefaye Khatam* 2019; 7: 51-60. doi: 10.29252/shefa.7.4.51. (Persian)
23. Mohammad Sharooni R, Shokri O, Hosseinzadeh Taghvaei M, Danesh E. The Modeling of Structural Relationship of Marital Conflict Concerning Attachment Styles, Narcissism Sensation Seeking, and Marital Burnout in Couples. *MEJDS* 2020. 10:23. (Persian)
24. Pamuk M, Durmuş E. Investigation of burnout in marriage. *J Hum Sci* 2015;12:162-77.
25. Nindyasari Y, Herawati T. The relation of emotional maturity, family interaction and marital satisfaction of early age married couples. *J Fam Sci* 2018; 3: 16-29. doi:10.29244/jfs.3.2.16-29.
26. Bakhshizadeh f, Samani s, Khayer m. A Causal model, self-differentiation and Morital Satisfaction. *J Women Society* 2019; 10: 31-46. (Persian)
27. Bahramimashoof R, Ahmadi S, Rasouli M. Mediating role of emotional expressivness in the relationship between cognitive emotion regulation strategies and marital satisfaction. *J Woman Family Stud* 2022; 10: 32-52. doi: 10.22051/jwfs.2022.30614.2374.